

2000



سرمایه اجتماعی: حلقه مفقوده*

کریستین گروتایرت

ترجمه: لیلا هامانی**

مقدمه

توسعه پایدار به عنوان فرآیندی تعریف شده است که از رهگذر آن نسل‌های آینده، در مقایسه با نسل فعلی، به ازای هر فرد سرمایه‌ای برابر یا بیشتر دریافت می‌کنند (سراج‌الدین، ۱۹۹۶a، ۱۹۹۶b). این [سرمایه] به طور سنتی سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی یا تولیدی و سرمایه اجتماعی را در بر گرفته است. موارد مذکور به اتفاق هم، ثروت ملی را می‌سازند و بنیان توسعه و رشد اقتصادی را شکل می‌دهند. در این فرآیند، ترکیب سرمایه تغییر پیدا می‌کند. قسمتی از سرمایه طبیعی فروکاسته شده و تبدیل به سرمایه فیزیکی خواهد شد. و این دو به نوبه خود کاهش خواهد یافت و ما انتظار داریم که تکنولوژی بدیل مناسب‌تری را در اختیارمان بگذارد. این قرن انباشت عظیم سرمایه انسانی را به خود دیده است.

اکنون آشکار شده است که این سه نوع سرمایه، تنها به نحو جزئی فرآیند رشد اقتصادی را

* این مقاله ابتدا به عنوان فصل ششم سند بانک جهانی «توسعه سنجه ثروت: شاخص‌های توسعه پایدار محیطی» ۱۹۷۷، واشنگتن دی سی چاپ شد و از کار و گزارش گروه سرمایه اجتماعی از گروه ویژه توسعه اجتماعی - که به شکل قاعده‌مندی در بهار ۱۹۹۶ د بانک جهانی تشکیل شد، بهره گرفته است. همچنین تعدادی از بحث‌های نخستین کارگاه سرمایه اجتماعی که توسط «معاونت توسعه پایدار محیط بانک جهانی در ۱۷ و ۱۸ آوریل ۱۹۹۶ تشکیل شده در این کار گنجانده شده است.

** کارشناس جامعه‌شناسی

تعیین می‌کنند. زیرا شیوه تعامل و سازمان‌یابی بازیگران اجتماعی را برای تولید رشد و توسعه از قلم می‌اندازند. حلقه مفقوده سرمایه اجتماعی است. در این سطح وسیع از مفهوم‌پردازی، اختلاف نظر اندکی در رابطه با موضوعیت داشتن سرمایه اجتماعی وجود دارد. به هر تقدیر هیچ اجماعی در مورد اینکه کدام یک از جنبه‌های تعامل و سازمان شایسته عنوان سرمایه اجتماعی می‌باشند، وجود ندارد و این اجماع فی الواقع در رابطه با اعتبار اصطلاح سرمایه نیز برای نامیدن آن وجود ندارد. کمترین پیشرفت در سنجش سرمایه اجتماعی و تعیین تجربی سهم آن در رشد و توسعه اجتماعی حاصل شده است. این فصل هریک از این مسائل را به ترتیب مورد بررسی قرار خواهد داد.

مفهوم سرمایه اجتماعی

کشورهای دارای سرمایه مشابه طبیعی، فیزیکی و انسانی، سطوح بسیار متفاوت عملکرد اقتصادی را به دست آورده‌اند که این قضیه در مورد مناطق و شهرهای کشورهای حتی اجتماعات درون نواحی و شهرها صدق می‌کند.

● نمونه ۱: نرخ‌های بالای رشد اقتصادهای معجزه‌آسای شرق آسیا - در مقایسه با دیگر نقاط جهان - تنها می‌تواند به شکل جزئی با استخدام عوامل متعارف نظیر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فیزیکی و تکنولوژی تبیین شود. سیاست‌های دولت، محیط توانبخشی را مهیا کرد که با چینش‌های نهادی و طرح‌های سازمانی ویژگی می‌یافت که اثربخشی، تبادل اطلاعات و همکاری بین دولت و صنعت را ارتقا داد (بانک جهانی ۱۹۹۳؛ استیگلیز ۱۹۹۶).

● نمونه ۲: پاتنام در مطالعه‌ای درباره ایتالیا استدلال می‌کند که تراکم بالاتر انجمن‌های داوطلبانه در میان مردم شمال ایتالیا، موفقیت اقتصادی این ناحیه را در مقایسه با جنوب ایتالیا - که شمار چنین مؤسساتی کمتر است - توضیح می‌دهد (پاتنام و دیگران ۱۹۹۳).

● نمونه ۳: پس از سقوط دولت سومالی در سال ۱۹۹۱، ناامنی داخلی گسترش یافت و درآمدها در اکثر مناطق کشور کاهش پیدا کرد. یک استثنا شهر بندری «بوساسو» بود، جاییکه یک جنگ سالار محلی یک نیروی امنیتی و مجلسی از رؤسای قبایل را که مورد حمایت مردم محلی بود، تشکیل داد. تجارت رونق گرفت و درآمدها رشد پیدا کرد (بوکلی، ۱۹۹۶).

● نمونه ۴: در گوجارات هند، رویارویی‌های خشونت‌بار بین مردم محلی و مسئولان دولتی، بر سر شیوه اداره جنگل‌ها به رکود اقتصادی انجامید. پس از آنکه اجتماعات محلی بسیج شده و اداره مشترک جنگل

تشکیل شد، درگیری‌ها کاهش یافت و بهره‌وری زمین و درآمدهای روستاییان بالا رفت (پاتنام و دیگران، ۱۹۹۳). هریک از این موارد جنبه‌ای از سرمایه اجتماعی و سهم آن را در رشد اقتصادی نشان می‌دهد.

اصطلاح سرمایه اجتماعی، تنها در این اواخر به تحلیل اقتصادی راه پیدا کرد اگرچه عناصر مختلف آن مفهوم از مدت‌ها پیش تحت عناوین مختلف حاضر بوده‌اند. به ویژه ادبیات اقتصاد پیرامون نقش نهادها، که حداقل به دهه ۱۹۲۰ برمی‌گردد، مرتبط به نظر می‌رسد. تمرکز بر نهادها، اخیراً در ادبیات «اقتصاد نوین نهادی» تجدید شده است. در ادبیات علوم سیاسی، جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی، سرمایه اجتماعی عمدتاً به مجموعه‌ای از هنجارها، شبکه‌ها و انجمن‌هایی اشاره دارد که به واسطه آنها مردم به قدرت و منابع دسترسی پیدا می‌کنند و از رهگذر آنها تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری رخ می‌دهد^۱. اقتصاددانان تمرکز بر سهم سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی را، عرضه کرده‌اند. در سطح اقتصاد خرد، این امر اساساً از دریچه شیوه‌هایی نگریسته می‌شود که عملکرد بازارها را گسترش می‌دهند.

در سطح اقتصاد کلان، نهادها، قالب‌های قانونی و نقش دولت در سازماندهی تولید به منزله چیزهایی که عملکرد اقتصاد کلان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مدنظر قرار می‌گیرند.

محدودترین مفهوم از سرمایه اجتماعی مربوط به پاتنام (پاتنام ۱۹۹۳؛ پاتنام و دیگران ۱۹۹۳) است. او آن را به مثابه مجموعه‌ای از «روابط افقی» مابین مردم نگریسته می‌شود: سرمایه اجتماعی از شبکه‌های اجتماعی («شبکه‌های تعهد مدنی») و هنجارهای مربوطه تشکیل شده است که تأثیری بر بهره‌وری اجتماع دارند. دو پیش فرض تجربی شالوده این مفهوم را تشکیل می‌دهند: شبکه‌ها و هنجارها از نظر تجربی به همدیگر مرتبط هستند و اینها نتایج اقتصادی مهمی به دنبال دارد. در حالیکه در آغاز، این مفهوم از سرمایه اجتماعی به انجمن‌های محدود شده بود که تأثیرات مثبت بر توسعه داشتند، اخیراً این مفهوم مشمول تسامح شده است تا گروه‌هایی را نیز که ممکن است تأثیرات نامطلوب داشته باشند دربرگیرد، فی‌المثل انجمن‌های با رفتار باجگیرانه (به عنوان مثال مافیا در جنوب ایتالیا) و حتی میلیشا. خصلت کلیدی سرمایه اجتماعی در این تعریف این است که

1 - تعدادی از دانشمندان اقتصادی بر این باورند که اصطلاح سرمایه اجتماعی، تنها به این منظور جعل شده است که مفاهیم بنیادین را برای اقتصاددانان قابل پذیرش کند. اقتصاددانان پاسخ می‌دهند که نهادها و دیگر جنبه‌های سرمایه اجتماعی همیشه در تحلیل اقتصادی حاضر بوده‌اند.

سرمایه اجتماعی هماهنگی و همکاری را در بین اعضای سازمان به منظور منفعت دوطرفه تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۳).

گسترش حیطه شمول این مفهوم، آن را یک گام به عملیاتی کردن و سنجش نزدیکتر کرد، اصولاً سرمایه اجتماعی برای سرشماری انجمن‌های مدنی، اعضای آنها و تعداد دفعاتی که گردهم می‌آیند، به درستی متناسب است. به هر تقدیر اگر چنین انجمن‌های تنها به شرط آنکه بازده مطلوب داشته باشند، سرمایه اجتماعی محسوب خواهند شد، به این معناست که به نحوی از انحاء باید توافقی حول این امر که چه چیزهایی نتایج مطلوب را تشکیل می‌دهند، صورت گیرد. فراتر از این، باید مشخص شود که هر سازمانی برای چنین نتیجه‌ای واقعاً تلاش می‌کند. در عمل، محتمل است که مشکلات فراوانی در رابطه با قضاوت و حصول تفاهم بر سر تهیه لیستی از نتایج دلخواه پیش بیاید و این تلاش ممکن است در اکثر زمینه‌ها به نحو احسن امکان‌پذیر نباشد.

مفهوم بعدی و وسیع‌تر سرمایه اجتماعی توسط کلمن (۱۹۸۸)^۱ ارائه شد، که سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از موجودیت‌های متنوع، با دو عنصر مشترک، آنها همه از جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی تشکیل شده‌اند و کنش‌های مشخص کنشگران را تسهیل می‌کنند» (ص ۵۹۸). این تعریف مفهوم را گسترش می‌دهد تا انجمن‌های عمودی را نیز همچون انجمن‌های افقی و همچنین رفتار را در بین دیگر موجودیت‌ها نظیر مؤسسه تحت شمول قرار دهد.^۲ انجمن‌های عمودی با روابط سلسله‌مراتبی و توزیع نابرابر قدرت در بین اعضایشان ویژگی می‌یابند. این گستره وسیع‌تر از انجمن‌ها به روشنی گستره وسیع‌تری از اهداف - چه مثبت و چه منفی - را پوشش می‌دهد. کلمن در این باره به صراحت می‌گوید: «شکل ویژه‌ای از سرمایه اجتماعی که برای تسهیل اعمال ویژه‌ای مناسب است، ممکن است برای دیگر اعمال بی‌تأثیر و حتی مضر باشد» (ص ۵۹۸). در واقع، این نگاه از سرمایه اجتماعی، ساختار اجتماعی را در معنای وسیع خود همانند اثر کلی هنجارهای حاکم بر رفتار بین فردی لحاظ می‌کند.

1 - کلمن، به عنوان معرفی‌کننده اصطلاح سرمایه اجتماعی به ادبیات جامعه‌شناسی شناخته می‌شود. او مقاله‌ای به نام "سرمایه اجتماعی در خلق سرمایه انسانی" در مجله جامعه‌شناسی امریکا، در سال ۱۹۸۸ به چاپ رساند.

2 - این مفهوم از سرمایه اجتماعی، به عملکرد شرکت‌ها و دیگر سازمان‌های هرمی حاضر در اقتصاد نهایی متمایل است که در آنها هدف سازمان به عنوان کمینه کردن هزینه‌های مبادله، نگریسته می‌شود. (ویلیامسون، ۱۹۹۳ و ۱۹۸۵).

سومین و دربرگیرنده‌ترین نگاه از سرمایه اجتماعی محیط اجتماعی و سیاسی را دربرمی‌گیرد که کمک می‌کند هنجارها توسعه یابند و سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد. این نگاه علاوه بر روابط عمدتاً غیررسمی و اغلب محلی افقی و سلسله‌مراتبی مربوط به دو مفهوم پیشین، همچنین ساختارها و روابط نهادی بیشتر رسمی شده نظیر دولت، رژیم سیاسی، حکومت قانون، سیستم قضایی و آزادی‌های مدنی و سیاسی را دربرمی‌گیرد. این تمرکز بر نهادها، نزد نورث (۱۹۹۰) و السن (۱۹۸۲) را ترسیم می‌شود که استدلال کرده‌اند که این نهادها تأثیر مهمی بر نرخ و الگوی توسعه اقتصادی دارند.

سرمایه اجتماعی چگونه نتایج اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

شواهد فزاینده‌ای در دست است که سرمایه اجتماعی - در هریک از تعاریف خود - می‌تواند تأثیری بر نتایج توسعه - رشد، عدالت و کاهش فقر - داشته باشد. انجمن‌ها و نهادها شبکه‌ای غیررسمی را برای سازماندهی تشریک اطلاعات، هماهنگی فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری جمعی مهیا می‌کنند. باردهان (۱۹۹۵) استدلال کرده است که آنچه که این امر را امکان‌پذیر می‌سازد عبارت است از نظارت همگانی، مجموعه‌ای از هنجارها و مجوزهای سطح محلی. مورد مشهور بانک "گرامین" در بنگلادش نشان می‌دهد که چگونه این عوامل می‌توانند برای غلبه بر فقدان دسترسی فقر ا به بازارهای اعتباری مورد استفاده قرار گیرند. باردهان نسبت به بزرگنمایی نقش نهادهای محلی هشدار می‌دهد: زمین‌داران محلی بزرگ ممکن است به آسانی نهادهای بومی را قبضه کنند، عوامل بیرونی توسعه می‌توانند از قلمرو کاری نهادهای محلی پیشی بگیرند و آنها ممکن است دارای ظرفیت کم افزایش تعرفه و یا فاقد آن باشند. با این وجود آنچه که مورد نیاز است نگاه متعادلی از نقش نهادهای مرکزی، ایالتی و سطح محلی است و این امر نشان می‌دهد که سه تعریف سرمایه اجتماعی در واقع نگاه‌های بدیل نیستند، بلکه ابعاد تکمیلی یک پروسه هستند (قاب ۱.۶).

تشریک اطلاعات: تصمیمات عوامل اقتصادی اغلب ناکارآمد هستند، زیرا آنها فاقد اطلاعات کافی یا دقیق می‌باشند. در بعضی شرایط، عاملی از انتقال اطلاعات غلط به دیگری، نفع می‌برد. متقاضیان اعتبار یا استخدام نمونه‌های یک چنین وضعیتی هستند. در شرایط دیگر تصمیمات دلخواه به دلیل عدم اطمینان پیرامون وضعیت آتی جهان و پاسخ‌های دیگر عوامل به آن

وضعیت، مشکل است. این موقعیت‌ها شکست بازار را نشان می‌دهند.^۱ سرمایه اجتماعی - در هریک از تعاریف خود - می‌تواند در کاهش این شکست‌ها سهم خود را ادا کند. سرمایه اجتماعی عدم قطعیت را خاتمه نمی‌دهد، اما می‌تواند دانش دوسویه در رابطه با این که عواملان چگونه به وضعیت‌های مختلف پاسخ خواهند داد، خلق کند. سرمایه اجتماعی همچنین می‌تواند در هیأت یک مکانیسم تقویت‌کننده برای اطمینان حاصل کردن از این امر عمل کند که این انتظارات در رابطه با رفتار متقابل در واقع محقق شده است. این امر هزینه‌های قرارداد را کاهش می‌دهد.

قاب ۱- سه نگاه به سرمایه اجتماعی: ویژگیهای مشترک

سه نگاه درباره سرمایه اجتماعی این مفهوم را از انجمن‌های عمدتاً افقی محلی گسترش داده‌اند تا انجمن‌های سلسله‌مراتبی و ساختارهای ملی رسمیت یافته نظیر دولت و حاکمیت قانون را دربرمی‌گیرد. با این حال آن‌ها ویژگیهای متعدد مشترکی دارند.

- همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را پیوند می‌دهند. آنها در این باور اشتراک نظر دارند که روابط اجتماعی بازده‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و نیز تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند.
- همه پتانسیل خلق شده از سوی روابط اجتماعی را برای بهبود بازده‌های توسعه مورد شناسایی قرار می‌دهند، اما خطر تأثیرات منفی را نیز بازشناسی می‌کنند. اینکه چه نتیجه‌ای حاصل شود منوط به طبیعت روابط (افقی در برابر عمودی) و بافت وسیع‌تر قانونی و سیاسی دارد.
- همگی بر روابط فیما بین عامل‌های اقتصادی و اینکه سازمان رسمی و غیررسمی آنها می‌تواند اثربخشی فعالیت‌های اقتصادی را بهبود بخشد، تمرکز می‌کنند.
- همه دلالت بر این امر دارند که روابط اجتماعی و نهادهای «مطلوب» برون‌دادهای مثبت دارند. از آنجائیکه اینها نمی‌توانند به وسیله هیچ فرد منفردی درک شوند، هر عاملی تمایل دارد در بخش سرمایه اجتماعی سرمایه گذاری اندکی انجام دهد؛ لذا در ساخت سرمایه اجتماعی، حمایت عمومی نقشی برعهده دارد.

هماهنگی فعالیت‌ها: رفتار غیرهماهنگ یا فرصت طلبانه از جانب عوامل اقتصادی می‌تواند

1- در اعمال تئوری بازی بر اقتصاد و همچنین ادبیات راجع به اقتصاد اطلاعات، کوشیده‌اند به چنین موقعیت‌هایی پردازند.

به ورشکستگی بازار نیز بیانجامد. این حالت ممکن است در نتیجه اطلاعات ناقص (بالا را ببینید) اما همچنین به این خاطر رو دهد که منفعت‌های حاصله از سرپیچی از توافق یا الگوی محتمل رفتار (یک «نرم») از مجازات پیش رو بزرگ‌تر باشند. این عامل اصلی چرایی شکست شماری از پروژه‌های آبیاری بوده است - تعداد از روستاییان می‌توانستند با موفقیت آب را به ضرر دیگران منحرف کنند یا به اندازه کافی در تأمین هزینه‌ها همکاری نکنند زیرا ابزارهای رسمی و اجتماعی اعمال سهم‌بری برابر غایب بودند. سرمایه اجتماعی مؤثر در شکل گروه‌های کاربر آب می‌تواند بر چنین مشکلاتی فائق آید. (من زن دیک و دیگران ۱۹۹۵؛ استرم ۱۹۹۵). مثالی که در آغاز این بخش نقل شد و مربوط به مدیریت جنگل بود - که از رهگذر آن روستاها و دولت با هم یک منبع عمومی را شکل دادند - نیز در این مقوله قرار می‌گیرد.^۱

انجمن‌ها، رفتار فرصت‌طلبانه را با خلق کنش متقابل مکرر بین افراد که به ارتقای اعتماد می‌انجامد، کاهش می‌دهند (داسگوپتا ۱۹۸۸). این تهییج «پس - نگر» برای اعتماد، در ادبیات روان‌شناسی اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. اعتماد، همچنین می‌تواند «جلونگر» و در موارد رفتار غیرقابل اعتماد مبتنی بر استنباط مجازات باشد. این مبنا برای اعتماد موضوع نظریه بازی بوده است. همیشه لزوماً اینگونه نیست (اگرچه اغلب مطلوب است) که کنش متقابل بین افراد در همان فعلیتی روی دهد که ریسکی برای رفتار فرصت‌طلبانه وجود دارد. فی‌المثل، تبادلات متعدد اعتبار (وام) بین اعضای یک توتاین به تقویت اعتماد خواهد انجامید، عدم قطعیت را پیرامون رفتار بازپرداختی و در واقع هزینه‌های عمومی تبادل را کاهش می‌دهد. به هر تقدیر، اعضای یک باشگاه فوتبال آمریکایی که به طور منظم با همدیگر بازی می‌کنند، هنوز بیشتر متمایل هستند به یکدیگر قرض بدهند تا به غریبه‌ها، اگرچه اینجا مجازات بالقوه کمتر است: اخراج از یک باشگاه فوتبال به نسبت اخراج از یک توتاین عواقب کمتر وخیمی دارد. یک سازمان منسجم اعتماد^۲ تولید می‌کند

1 - لازم است تذکر داده شود که حضور فی‌المنفسه یک گروه (نظیر گروه کاربران آب) به معنای سرمایه اجتماعی نیست. مکانیسمی که بنیاد توانایی گروه را برای اعمال هنجارهای گروه می‌سازد، در آن موقعیت سازنده سرمایه اجتماعی می‌باشد.

2 - مطابق با نظر پاتنام، بهتر آن است که از قابل اعتماد بودن سخن گفت و نه «اعتماد». داسگوپتا می‌گوید که اعتماد، یقین صرف نسبت به پیامد قابل انتظار است (مبتنی بر تجربه قبلی یا اعمال آتی قرار دارد). برای بحث بیشتر درباره

و به طریقی هویت و کارکرد عینی عامل اقتصادی را تغییر می‌دهد: منفعت گروهی به طور جزئی یا به طور کامل جای منفعت شخصی را می‌گیرد و اولی بیشنه می‌شود. این امر اگرچه می‌تواند در انجمن‌های افقی و عمودی روی دهد، تولید اعتماد و دوسویگی بیشتر در گروه‌های افقی، به ویژه نمونه‌های مبتنی بر خویشاوندی یا دیگر شبکه‌های متراکم (فی‌المثل، مبتنی بر جنسیت، قومیت یا کاست) محتمل است. به همین دلیل، فی‌المثل بانک گرامین مانند انجمن‌های پس‌انداز و وام دوره‌ای غیررسمی، اساساً بر گروه‌هایی از زنان اتکا دارد.

تصمیم‌گیری جمعی. این عنصر، شرط مهمی برای تأمین کالاهای عمومی و مدیریت برودادها برای فرآیندهای بازار است. این علت وجودی بنیادین دولت است. به هر تقدیر، همچنانکه همه تصمیمات دولت در تطابق با نفع دلخواه موکل‌هایشان نیست، انجمن‌های محلی و داوطلبانه نیز همیشه به نحو کارآمدی منفعت مشترک خود را بیشنه نمی‌کنند حد و حدود بیشنه شدن منفعت مشترک به این امر بستگی دارد که آنها تا چه اندازه به خوبی، مشکلات اطلاعات و انگیزش را که قبلاً مورد بحث قرار گرفت، مورد توجه قرار می‌دهند. یک جنبه مهم از این، عدالت است.

سرمایه اجتماعی سطح کلان: انجمن‌های شهروندی با به اشتراک گذاشتن اطلاعات، هماهنگ کردن انگیزه‌های فردی با اهداف گروهی و گسترش تصمیم‌گیری جمعی موجب برودادهای کارآمد بازارهای می‌شوند. به هر تقدیر تمرکز سطح خرد بر بازارها، تنها بخشی از داستان است. حتی اگر سرمایه اجتماعی تنها در سطح ف‌خرد تعریف شود (تعریف محدود از انجمن‌های افقی یا تعریف میانه که انجمن‌های سلسله‌مراتبی را دربرمی‌گیرد)، باید این امر لحاظ شود که برودادهای بازار، همچنین تحت تأثیر محیط اقتصاد سطح کلان و سیاسی است. مورد اخیر [یعنی برودادهای بازار] می‌تواند محیطی توانبخش باشد که تأثیر انجمن‌های مدنی (آنچنانکه در مورد داستان‌های موفقیت با حتمیت کامل مصداق داشت) را ارتقاء می‌دهد، اما محیط کلان همچنین می‌تواند تأثیر سرمایه اجتماعی سطح محلی را نابود یا خنثی کند. همچنانکه ارزیابی یک پروژه سرمایه‌گذاری ویژه بدون نگرستن به حوزه اقتصادی به مثابه یک کل و نیز بدون لحاظ

کردن یک محیط سیاست سطح کلان مرتبط، چندان معنی دار به نظر نمی‌رسد، بررسی انجمن‌های محلی در انزوای بی‌معناست.

طرق تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر برون‌دادهای سطح کلان در چهارچوب «اقتصادهای جدید نهادی» مربوط به نورث و با استدلال «سرمایه ترکیبی اجتماعی» مربوط به السون مورد پژوهش قرار گرفته است. استدلال بنیادی این است که تفاوت‌ها در درآمدهای سرانه در بین کشورها را نمی‌توان با توزیع سرانه منابع تولیدی تبیین کرد: منابع زمین و طبیعی، سرمایه اجتماعی و سرمایه تولیدی (شامل تکنولوژی). به هر تقدیر کشورها در نهادها و دیگر اشکال سرمایه و در سیاست‌های عمومی نیز متفاوت می‌باشند. موارد فوق درآمدهایی را که کشورها می‌توانند از دیگر اشکال سرمایه‌شان به دست آورند، تعیین می‌کنند. السون استدلال می‌کند که کشورهای با درآمد پایین نمی‌توانند دستاوردهای بزرگی از سرمایه‌گذاری، تخصصی‌شدن و تجارت (حتی اگر پایه عظیمی از منابع داشته باشند) داشته باشند زیرا آنها فاقد نهادهایی هستند که در بلندمدت به نحو بی‌طرفانه قراردادها را اعمال کند و حقوق مالکیت را تأمین کند و نیز به این خاطر که آنها سیاست‌های اقتصادی نادرستی دارند.

اهمیت سرمایه اجتماعی سطح کلان به طرز جالبی در تعدادی از اقتصادهای در حال گذار اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق نشان داده شده است. غیاب ناگهانی دولت از کارکردهای فراوان اجتماعی و اقتصادی به فروپاشی اعتماد انجامید و مردم را وادار کرد تا بر شبکه‌های محلی و انجمن‌های غیررسمی تکیه کنند. «فشارسنج دموکراسیهای جدید» اثر «ریچارد رز» تلاش کرده است این پدیده را اندازه‌گیری کند. یکی از نتایج عبارت است از خروج مردم از اقتصاد «رسمی» و تکیه بر اقتصادهای چندگانه غیررسمی برای ارضای اکثر نیازهایشان. فعالیت‌های غیررسمی نظیر تولید غذا، تعمیر خانه‌ها، کمک متقابل در بین دوستان. در حالیکه در یک بازار دارای عملکرد مناسب، این فعالیت‌ها ممکن است نوعی سرگرمی یا انعکاس از رفاقت باشد، در گذار، این اقتصاد اجتماعی بنا به ضرورت حضور دارند (رز، ۱۹۵۵a). گذار در روسیه به آنچه که رز «جامعه ساعت شنی» می‌خواند، انجامید (رز، ۱۹۹۵). در قاعده، یک زندگی اجتماعی غنی متشکل از شبکه‌های غیررسمی قدرتمند وجود دارد که بر اعتماد بین دوستان و تعامل رو در رو اتکا دارد. ضرب‌المثل روسی «یک صد دوست بیش‌تر از یک صد روبل می‌ارزند» بر اهمیت این شبکه‌ها تأکید دارد. در

راس نیز یک زندگی غنی سیاسی و اجتماعی بین نخبه‌ها در جریان است که در بین خودشان برای قدرت و ثروت رقابت می‌کنند. به هر تقدیر، پیوندهای بین رأس و قاعده بسیار محدود است و با بی‌اعتمادی محلی از سمت قاعده ویژگی می‌یابند. کمتر از یک سوم روسیها انتظار برخورد مناسب را از سوی پلیس و اداره شهرداری‌شان داشتند (اداره پست قابل اعتمادترین نهاد بود). مشکل بتوان رشد اقتصادی پایدار را در روسیه درک کرد بدون آنکه به تغییری برای طراحی پیوند بین نهادهای سطوح خرد و کلان دست زد.

سنجش سرمایه اجتماعی

سنجش این پیش فرض را دربردارد که می‌توان کاملاً به درستی آنچه را باید سنجیده شود، تعریف کرد. همچنانکه بخش پیشین نشان داد، تعاریف سرمایه اجتماعی بسیار تغییر می‌کنند. این امر پیشنهاد لیستی از شاخص‌ها را برای سرمایه اجتماعی به کاری ذاتاً سخت تبدیل می‌کند. این شاخص‌ها به مجرد آنکه تعریف مفهومی و مهمتر از آن تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی گسترش یافت، باید گسترش پیدا کنند. استفاده معنی‌دار از شاخص‌ها به یک چهارچوب مفهومی نیاز دارد که در آن، شاخص‌ها بتوانند برای ارزیابی یک وضعیت جدید، سنجش رابطه بین متغیرهای سیاست و درآمد و ارزیابی گزینه‌های سیاست‌یافتی نقش کنند (قاب ۲). چنین چارچوبی بیشتر برای تعاریف محدودتر سرمایه اجتماعی (نهادهای خرد در کانون قرار دارند) پرورش داده است تا برای تعاریف وسیع‌تر که می‌کوشد نهادهای سطح کلان را با پیامدهای اقتصادی پیوند دهد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که بتوان مجموعه مناسب‌تری از شاخص‌ها را برای مفاهیم سرمایه اجتماعی تعریف کرد که بر انجمن‌های محلی افقی و سلسله‌مراتبی تمرکز می‌کنند. البته این بدان معنی نیست که داده‌ها در آن سطح از فراوانی بیش‌تری برخوردارند. در عمل، انتخاب و پرداخت شاخص‌ها برای سرمایه اجتماعی می‌تواند در راستای دو خط حرکت کند: (۱) مطابق با وسعت روابط و نهادهای درگیر؛ و (۲) با توجه به انواع تأثیراتی که سرمایه اجتماعی بر روی فرایند توسعه دارد که در آن ابعاد کلیدی عبارتند از رشد، برابری و کاهش فقر.

در رابطه با محدودترین تعریف سرمایه اجتماعی، می‌توان لیست انجمن‌های محلی و ویژگیهای آنها را (شمار اعضا، فراوانی ملاقات‌ها، ابعاد عضویت در راستای قومیت، خویشاوندی و دیگر خطوط؛ نوع تصمیم‌گیری) استخراج کرد. در عمل، چنین لیست‌هایی بندرت در دسترس

هستند و تنها از طریق مورد پژوهیهای انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی می‌توان، نوعاً بصیرت‌هایی از آنها به دست آورد، که این مورد پژوهیها تمرکز جغرافیایی محدودی دارند. ارزش چنین مطالعاتی، اساساً در تحلیل پویاییهای خلق انجمن‌ها (چگونه، چرا و توسط چه کسانی خلق شده‌اند؟) و مؤثر بودگی آنها نهفته است. بنابراین، آنها اقدامی تکمیلی برای لیست‌دهی درباره انجمن‌ها محسوب می‌شوند.

قاب ۲- ویژگی‌های مطلوب شاخص‌ها

آنچه در پی می‌آید لیست غیرجامع ویژگی‌هایی است که شاخص‌ها باید داشته باشند. شاخص‌ها باید:

- درون توافقی در چهارچوب مفهومی و عملیاتی پرداخت شوند.
- به روشنی تعریف شده باشند و به راحتی درک شوند.
- سوژه جمع بستن باشند (از خانواده تا اجتماع و از اجتماع تا ملت)
- عینی باشند (مستقل از گردآورنده داده‌ها باشند)
- دارای الزامات داده‌ای منطقی باشند - یا داده موجود یا داده‌ای که می‌توان با هزینه محدود و در چهارچوب ظرفیت دستگاه آماری کشور گردآوری کرد.
- تحت «مالکیت» کاربران باشند.
- از نظر تعداد محدود باشند.
- درونداد، فرایند و بازده را منعکس کنند (یا آنچنانکه در ادبیات محیط گفته می‌شود، فشار، وضعیت، پاسخ).

در رابطه با مفهوم‌سازی میانه از سرمایه اجتماعی که دربردارنده انجمن‌های سلسله‌مراتبی است، همان شاخص‌های انجمن‌ها را می‌توان به کار برد، غیر از این نکته که آن‌ها اکنون گستره وسیع‌تری از روابط اجتماعی را پوشش می‌دهند. در مفهوم‌سازی کلان، نظامهای حقوقی و قضایی و جنبه‌های عملکرد دولت (نظیر توانایی اعمال مقابله‌نامه‌ها) همه تبدیل به بخشی از سرمایه اجتماعی می‌شوند. این رویکرد تا حدی مشکل سنجش را حل می‌کند، زیرا هنجارها و شبکه‌های اجتماعی در یک نهاد یا ساختار «قابل رؤیت» دیگر که قابل تعریف است، ریشه دوانیده‌اند. برای احاطه بر گستره کامل سرمایه اجتماعی، روشن است که باید سنجش صورت گیرد و

لازم است که شاخص‌ها در سطوح خرد و کلان پرداخته شوند. در سطح کلان، تأثیر سرمایه اجتماعی باید اساساً با توجه به حد و حدود مشارکت سازمان یا نهاد در امکان‌پذیر کردن بازده‌های مؤثر بازار (با کاهش مشکلات اطلاعات و انگیزه) یا در ارائه حد «مطلوب» کالاهای عمومی (با مؤثرتر کردن تصمیم‌گیری‌های جمع) ارزیابی شود. از آنجایی که فاکتورهای مختلف فراوانی بطور همزمان بازده‌های بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهند، سنجش سرمایه اجتماعی بطور تجربی کار آسانی نیست، اما این مسأله به راستی در رابطه با تعریف و سنجش سرمایه اجتماعی در خود، ظاهری است. یک تشابه: سنجش زمین امکان‌پذیر است حتی اگر سنجش این امر که زمین تا چه حد بر ارزش افزوده کشاورزی می‌افزاید، مشکل باشد.

شواهد مهم و فزاینده‌ای در دست است که انجمن‌ها و شبکه‌های محلی تأثیر مثبتی بر توسعه محلی و رفاه خانواده‌ها دارند. کار در هندوستان، نشان داده است که چنین سرمایه اجتماعی، توان فقرا را برای تخصیص مؤثر منابع و افزایش قابلیت انعطاف آن‌ها را در برابر مخاطرات، ارتقا داده است (تاوان سند، ۱۹۹۴). یک مطالعه بر روی ۷۵۰ خانواده در تانزانیا نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی سهم عظیمی در رفاه خانواده بازی می‌کند. سرمایه اجتماعی با عضویت در گروه‌ها و شبکه‌ها سنجیده می‌شود. تحلیل چند متغیره رگرسیون نشان داد که سرمایه اجتماعی در سطح روستا، از عوامل مؤثر در رفاه خانواده بود حتی زمانی که اندازه خانواده، تحصیل مردان، تحلیل مردان، ثروت خانوار، دسترسی به بازار و فضای کشاورزی - اکولوژیک وارد تحلیل شدند. در تعدادی از موارد، تأثیر سرمایه اجتماعی سطح روستا از دسترسی به بازار یا تحصیل زنان مهم‌تر است. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی سطح خانوار به نظر می‌رسد که کم‌تر از سرمایه اجتماعی سطح روستا، مهم باشد (نارایان و پرتیچت ۱۹۹۶).

سرمایه اجتماعی همچنین می‌تواند کیفیت آموزش را بهبود بخشد. یک مطالعه درباره مدارس آمریکا حتی پس از کنترل مذهب و جایگاه مالی خانواده نرخ‌های پایین‌تر ترک تحصیل را برای مدارس مذهبی در اجتماعات بسته به نسبت دیگر مدارس عمومی و خصوصی نشان می‌دهد (کلمن، ۱۹۹۸). در همین رابطه فروپاشی شبکه‌ها می‌تواند به خشونت و جنایت ختم شود. مطالعه‌ای درباره اجتماعات شهری در اکوادور، لهستان، فیلیپین و زامبیا نشان می‌دهد که کاهش ثروت اقتصادی به درگیری پایین‌تر با انجمن‌های اجتماع، روابط غیررسمی ضعیف‌تر بین

شهروندان و افزایش جرم و خشونت ختم می‌شود (موزر، ۱۹۹۶).

شواهد فراوانی وجود دارد که انجمن‌های محلی، نقش کلیدی در مدیریت محیطی، به ویژه جایگاه منابع دارایی عمومی (آب، جنگل‌ها) مهم است، برعهده دارند. این مسأله، به ویژه در مورد پروژه‌های آبیاری و عرضه آب به خوبی مستند شده است. فی‌المثل در «کوتاه دی و ویر» عرضه آب روستایی پس از آنکه مسئولیت حفاظت از شرکت دولتی توزیع آب به گروه‌های آب اجتماع واگذار شد، عرضه آب روستایی بهبود پیدا کرد. نرخ‌های اختلال از ۵۰ درصد به ۱۱ درصد در یک سوم هزینه‌ها رسید. به هر تقدیر، این نتایج تنها در روستاهایی که تقاضای بالایی برای آب داشتند و جایی که انجمن‌های اجتماعات خوش عملکرد موجود بودند، حفظ شد (هینو ۱۹۹۳). تجربیات به دست آمده با انجمن‌های کاربرد آب در کشورهای به تنوع پاکستان و ایالات متحده نشان داده است که ثبات به تقویت کشاورزان مشارکت کننده برای مذاکره با اقتدار مربوط به آب و تثبیت چهارچوبی بستگی دارد که به روشنی حقوق و مزایا و وظایف و مسئولیت‌ها را مشخص می‌کند (مونیزن - دیک و دیگران، ۱۹۹۵؛ نارایان ۱۹۹۵، اسرتم ۱۹۹۵).

ما در رابطه با جنگل‌ها پیش‌تر از نقشی که توسط گروه‌های اجتماعی در «گوچارات» بازی شد تا خشونت بر سر مسائل مدیریت جنگل خاتمه یابد و یک رویکرد مشترک بین دولت و مردم محلی اتخاذ شود، یاد کردیم (پاتان و دیگران ۱۹۹۳). در یک ناحیه دورافتاده زیمبابوه، یک اجتماع کوچک کنترل مدیریت منابع حیات وحش را به دست گرفت. آنها درباره فرآیند اشتراک عوارض و تقسیم مسئولیت‌ها با دولت مذاکره کردند. نتایج عبارت بوده‌اند از حفاظت بهتر از حیات وحش و عوارض بیشتر از سفرهای شکاری و توریسم هم برای اجتماع محلی و هم برای دولت (اسکونز و ماتوزه ۱۹۹۳). همچون مورد انجمن‌های آب، کلیدهای موفقیت دربرگیرنده قواعد روشن عضویت، مسئولیت‌پذیری و تصویب هماهنگی بین اجتماع محلی و اقتدار مرکزی است (نارایان، ۱۹۹۵).

پیوندهای بین جامعه مدنی و حکومت نیز نتایج برنامه‌های دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعه‌ای بر روی شهرداری ایالتی در شمال شرقی برزیل نشان داد که چگونه خلق روابط بین کارمندان دولت و انجمن‌های محلی برنامه‌های شهرداری را انتقال داد. زمانی که کادرهای برنامه بهداشتی سریا (Cerea) بر اعتمادسازی با مراجعان در اجتماعاتی که کار می‌کردند، متمرکز

می‌شدند، کیفیت و تأثیر برنامه افزایش پیدا می‌کرد - خانواده‌های بیشتری خدمات دریافت کردند و نرخ مرگ و میر کودکان کاهش پیدا کرد (فریدهمیم ۱۹۸۸).

صنعت لباس در برزیل و شیلی، نمونه‌ای از نقش انجمن‌های حرفه‌ای در حل مشارکت اطلاعاتی و انگیزش است (استون و دیگران ۱۹۹۲). برزیل یک نظام قانونی پیچیده دارد، قوانین گهگاهی با همدیگر همساز نیستند و دادگاه‌ها بسیار گران هستند. تجارت نمایه برای کارهای روزانه بر بدیل‌هایی غیررسمی جهت اداره مبادلات بین مشتریان و عرضه‌کنندگان اتکا کنند، به ویژه زمانی که اعتبار در بین باشد.

سرمایه گذاران برزیلی لباس یک نظام اطلاعات اعتبار غیررسمی مؤثر به راه انداختن که حیثیت غیرمکدر را تشویق می‌کرد. با این حال، تضادها حتی تا لحظه انتقال غیر ایمن باقی مانده و مورد مذاکره قرار می‌گیرند.

بنابراین سرمایه گذاران برزیلی باید استراتژی‌های کاهش ریسک را برگزینند، فی‌المثل تنها اقلام غیرسفارشی را تولید کنند و حجم سفارش‌ها را کاهش دهند که در نهایت، به توسعه تجارت لطمه می‌زند. در شیلی برعکس، سهولت حقوقی و اعمال همساز مقاولات به فرآیند مقاطعه‌کاری بسیار ایمن تر و مذاکرات مجدد اندکی انجامیده است. این وضعیت، نرخ عدم پرداخت در بدهی‌ها را کاهش داده است. این مورد پژوهی به روشنی نشان می‌دهد که حد و مرزی بر توانایی انجمن‌های غیررسمی برای جایگزینی حاکمیت قانون و نظام رسمی دادگاه متصور است. این قضیه، هم نقش سرمایه اجتماعی در ممکن کردن تجارت و هم نقش دولت در فراهم نمودن محیطی توان بخش را مورد تأکید قرار می‌دهد.

تحقیق همچنین نشان داده است که تأثیر سرمایه اجتماعی می‌تواند غیرمستقیم باشد. انجمن‌های اقتصادی روستایی در بولیوی در بالابردن قیمت تهیه‌کنندگان در بازارهای محلی موفقیت حاصل کردند و بنابراین اعضاء و نیز افراد غیر عضو بهره‌مند شدند (تندلر و دیگران، ۱۹۸۲).

شواهد مربوط به تأثیر انجمن‌های هرمی بسیار محدودتر و مبهم‌تر است. در نیجریه، چنین گروه‌هایی نامنی غذایی را با دادن آموزه‌هایی کاهش دادند. در نمونه بوساسو در سومالی - که در ابتدای این بخش به آن ارجاع داده شد - روابط هرمی مبتنی بر کلان و روابط بین نسلی تبدیلی به

وسيله‌ای شد که به واسطه آن ثبات و امنیت محلی تضمین شد که به افزایش بزرگی در فعالیت‌های اقتصادی منجر شد.

در سطح کلان، سرمایه اجتماعی به چهارمین مقوله عمل تولید تبدیل شده است (به همراه سرمایه فیزیکی، طبیعی و انسانی). سهم سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و برابری می‌تواند به دو طریق محاسبه شود. نخستین تخمین از مدل‌های نوع حسابداری عمل تولید حاصل می‌شود که رشد GDP [تولید ناخالص داخلی] را به منزله کارکرد رشد کار، سرمایه و تکنولوژی توضیح می‌دهد. بعد از محاسبه سرمایه فیزیکی و طبیعی، مازادی باقی می‌ماند که بطور توأمان سرمایه اجتماعی و انسانی را می‌سازد. جداسازی سرمایه اجتماعی از انسانی نیازمند تخمین مستقیم سرمایه طبیعی است. این امر تا به حال با موفقیت انجام نشده است. مدل حسابداری رشد به طور روتین، بر اعداد مندرج در لیست تکیه می‌کنند و به این خاطر مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. اصولاً، سود رویکرد مازاد این است که سهم و مشارکت سرمایه فرهنگی را به طور کامل مشخص می‌کند (حداقل اگر کسی این فرضیه را قبول کند که رشد یک کارکرد صرف چهار فاکتور تعریف شده تولید است). مثال این مدل، مطالعه اقتصادهای معجزه‌آسای شرق آسیاست - که قبلاً ذکر شد - که به این نتیجه رسید که مدل‌های حسابداری رشد تنها ۱۷ تا ۳۶ درصد تفاوت در عملکرد رشد بین شرق آسیا و دیگر نقاط جهان را نشان می‌دهند (بانک جهانی، ۱۹۹۳).^۱

یک مدل بدیل تخمین مستقیم تأثیر اجزاء ویژه سرمایه اجرایی بر رشد، و سرمایه‌گذاری یا برابری است. حجم ادبیات فزاینده‌ای که کوشیده است. این کار را انجام دهد، موجود است که اغلب بر جنبه‌های سیاسی یا دموکراتیک جوامع تمرکز می‌کند. شاخص‌ها، شامل سنجه‌هایی برای ثبات سیاسی (تغییرات حکومت، کودتا) می‌باشد؛ سنجه گاستیل برای آزادی مدنی و

1 - نگاه‌های متمایزی در رابطه با نقش سرمایه اجتماعی در تبیین نرخ‌های رشد آسیای شرقی وجود دارد. تعدادی از نویسندگان استدلال می‌کنند که اکثر یا حتی همه نرخ‌های رشد می‌تواند به وسیله بسیج فزاینده منابع (افزایش‌هایی در نرخ مشارکت نیروی کار، آموزش و سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی) (کروگنم ۱۹۹۴). دیگران که بر مدل‌های رشد درونزا اتکا می‌کنند، استدلال می‌کنند که نابرابری [مربوط به] درآمدهای پایین که ویژگی اقتصادهای آسیای شرقی می‌باشد، فی‌النتیجه محرک مهمی برای رشد می‌باشد (بیردسال و دیگران ۱۹۹۵). برای یک نقد و تفسیر جدید از شواهد استیگلنر را ببینید (۱۹۹۶).

سیاسی؛ سنجه‌هایی برای ریسک مصادره، فساد، اعمال مقابله‌نامه‌ها و حقوق مالکیت، و سنجه‌هایی برای تبعیض سیاسی و اقتصادی و از هم پاشیدگی اجتماعی (جرم، خودکشی، شورش‌ها، عدم مشروعیت، طلاق و غیره). قاب ۳ - لیست ناقصی از این متغیرها در بردارد که در تحلیل بین‌کشوری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

قاب ۳- شاخصهای سرمایه اجتماعی

شاخص‌های ذیل همگی در مطالعات تجربی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. شاخص‌های انجمن‌های افقی یک چشم‌انداز خرد را گرفته‌اند و نوعاً برای تحلیل درون یک کشور گردآوری شده‌اند. دسته دیگر از شاخص‌ها در سطح ملی محاسبه شده‌اند و در تحقیق بین‌کشوری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

انجمن‌های افقی

تعداد و نوع انجمن‌ها یا نهادهای محلی	میزان اعتماد در اتحادیه‌های تجاری
میزان عضویت	درک از حد و حدود انجمن‌های اجتماعی
میزان تصمیم‌گیری مشارکتی	تکیه شبکه‌های حمایت
میزان همگونی خویشاوندی در انجمن	درصد درآمدخانوارها از حواله‌ها
میزان همگونی درآمدی و شغلی در انجمن	درصد هزینه خانوار برای هدایا و جابجا شدن
میزان اعتماد در اعضای روستا و خانوارها	نرخ وابستگی بزرگسالان
میزان اعتماد در دولت	

جامعه مدنی و سیاسی

شاخص آزادیهای مدنی (گاستیل، خانه آزادی)	شاخص دموکراسی
درصد جمعیت که با تبعیض سیاسی روبرو می‌شوند	شاخص فساد
شاخص شدت تبعیض سیاسی	شاخص غیرکارآمدی دولت
درصد جمعیت که با تبعیض اقتصادی روبرو شده‌اند	قدرت نهادهای دموکراتیک
شاخص شدت تبعیض اجتماعی	سنجۀ آزادی انسان
درصد جمعیت که در جنبش‌های جدایی طلبانه	سنجۀ ثبات سیاسی
درگیر هستند	درجه مرکز زدایی از دولت
شاخص گاستیل برای حقوق سیاسی	گردهم آیی رأی دهندگان
شاخص خانه آزادی برای آزادی‌های سیاسی	تغییرات دولتی قانون اساسی کودتاها

همبستگی اجتماعی

شاخص تحرک اجتماعی	دیگر نرخ‌های جرم
سنجه قدرت "تضادهای اجتماعی"	زندانیان به ازای هر صد هزار نفر
تجزیه زبان‌شناسی قومی	نرخ‌های عدم مشروعیت
شورش‌ها و تظاهرات اعتراض‌آمیز	درصد خانه‌های تک‌والد
اعتصاب‌ها	نرخ طلاق

نرخ بیکاری جوانان	نرخ آدمکشی
	نرخ خودکشی
	جنبه‌های حقوقی و دولتی
فسخ مقابله نامه‌ها توسط دولت	کیفیت بوروکراسی
قابلیت اجرای قانون	استقلال نظام قضایی
پول قراردادی شدید (گردش/M2)	ریسک مصادره و ملی کردن

مطالعه‌ای بر روی بیست و نه کشور شامل سنجه‌های مستقیم اعتماد و همکاری محلی (از پیمایش ارزشهای جهان گرفته شد) در یک ارزیابی رشد بین کشوری به این نتیجه رسید که هر متغیر پس از کنترل دیگر تعیین‌کننده رشد، تأثیر مثبت عظیمی دارد. یافته‌ها حاکی از آن بود که اهمیت اعتماد در کشورهای با درآمد پایین، بالاترین میزان بود و این کشورها جاهایی بودند که فرض بر آن بود اعتماد، به مثابه جایگزین برای نهادهای رسمی عمل کند و حقوق مالکیت و مقابله‌ها را اعمال کند (کناک و کیفر، ۱۹۹۶).

تحلیل‌های داده‌های بین کشوری نیز انجام شده است که در آن مدل رگرسیون رژیم سیاسی را به عنوان یک متغیر تبیین‌گر در بردارد. آزادی‌های مدنی و سیاسی با رشد دارای همبستگی مثبت بودند در حالیکه رژیم‌های سرکوب‌گر نرخ‌های رشد پایین‌تری تولید کرده‌اند (اسکولی ۱۹۸۸؛ گریو و تولاک ۱۹۸۹؛ بارو ۱۹۸۹). بی‌ثباتی سیاسی نیز از نظر تجربی با رشد پایین‌تر مرتبط بوده است. به هر تقدیر، این همبستگی‌ها از حمایت قاطع از یک مدل علی ناتوان بوده‌اند و نظریه‌های رقیب در این باره فراوان هستند. فی‌المثل، استدلال شده است که آزادی اثر بخشی بازار و عملکرد اقتصاد را ارتقا می‌دهد، در حالیکه دیگران ادعا می‌کنند که رشد سریع نیازمند کنترل و کاستن از آزادی می‌باشد. دیگرانی نیز هستند که بر این باورند آزادی عمدتاً از رهگذر رفتار سرمایه‌گذارانه بر رشد تأثیر می‌گذارد (دی‌هان و سیرمان، ۱۹۹۶). عوامل سیاسی نه تنها می‌توانند عملکرد اقتصاد ملی را تحت تأثیر قرار دهند، بلکه همچنین عملکرد اقتصادی پروژه‌های توسعه را نیز متأثر می‌سازند.

اقتصاددان اغلب استدلال می‌کنند که مهمترین نقش دولت‌ها، اعمال حقوق مالکیت و مدیریت عناصر خارجی در فرآیندهای اقتصادی می‌باشد (شامل کالاهای عمومی). بنابراین، منطقی به نظر می‌رسد که هنگامی که این کارها بطور مناسب انجام نگرفته باشند، رشد اقتصادی محتمل است که متوقف شود. تعدادی از اقتصادهای در حال گذار، نمونه‌های قابل توجهی هستند، زیرا هنوز زمانی کافی نداشته‌اند که چهارچوب قانونی کارا و هماهنگ و یک سیستم قضایی برای

اعمال مقاوله‌نامه‌ها و حقوق مالکیت مستقر کنند. به همین ترتیب، مدیریت عناصر خارجی در یک اقتصاد بازار به نسبت یک اقتصاد کنترل شده، چالش بزرگتری محسوب می‌شود (جایی که در اقتصادهای کنترلی)، بنا به تعریف، از آنجایی که دولت فرایندهای اقتصادی مولد آنها را کنترل می‌کند، درونی می‌شوند. تعدادی از مطالعات تجربی به این نتیجه دست یافته‌اند که شاخص‌هایی که اعمال مقاوله‌نامه‌ها، ریسک مصادره، فساد و کیفیت بوروکراسی دولت را اندازه‌گیری می‌کنند، فاکتورهای تبیینی قدرتمندی برای نرخ رشد هستند و در مواردی تأثیراتی به قدرتمندی اثرات آموزشی دارند (کناک و کسیر ۱۹۹۵). فراتر از این، کشورهای با نهادهای رسمی که به نحوی مؤثر از حقوق مالکیت و قرارداد محافظت می‌کنند، محیط مساعدتری را برای اعتماد و همکاری مدنی برای پیشرفت مهیا می‌کنند (کناک و کسیر، ۱۹۹۶).

مطالعات دیگر به وراثت فاکتورهای سیاسی و دولتی رفته‌اند و تأثیرات همبستگی اجتماعی و فروپاشی اجتماعی بر عملکرد اقتصاد را مورد توجه قرار داده‌اند. بار دیگر، اقتصادهای در حال گذار اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق، شواهدی قدرتمند از یک تعامل مصیبت‌بار ارائه می‌کنند که بین تنزل اقتصادی و اجتماعی اتفاق می‌افتد. مشکل در اینجا نیز، به بیان کلیننگارد و مندرک (۱۹۹۵)، این است که هیچ تئوری مورد توافقی برای اعمال وجود ندارد. از این رو، پژوهش‌ها بیشتر استقرایی و به دنبال همبستگی‌های معنی‌دار هستند. به نظر می‌رسد شواهد تا به حال موجود، بر این امر دلالت دارد که بازیگران خوب اقتصادی در بعضی از ابعاد همبستگی اجتماعی و ثبات نهادهای اجتماعی، امتیازات بالایی کسب می‌کنند اما در دیگر موارد نه.

یکی از مخرب‌ترین اشکال از هم‌پاشیدگی اجتماعی درگیری قومی می‌باشد. این شکل سرمایه فیزیکی را تخریب می‌کند، اقتصاد را مختل می‌کند، سرمایه انسانی را به هدر می‌دهد و سرمایه اجتماعی را نابود می‌کند. بیش از نیمی از کشورهای کم‌درآمد جهان طی ده سال گذشته، درگیری را تجربه کرده‌اند. در میان این کشورها، سی کشور شاهد آواره شدن بیش از ده درصد جمعیت خود بوده‌اند و در ده کشور، ۴۰ درصد جمعیت آواره شده‌اند. درگیریهای قومی به عنوان یکی از عوامل کلیدی مؤثر در تنزل اقتصادی اروپا، شناخته می‌شود.

شاخص‌های سرمایه اجتماعی به کار رفته در این مطالعه، همه سنج‌های کمی و کیفی سرمایه اجتماعی را - اما بدون هیچ تلاشی برای ارزیابی مستقیم - بازنمایی می‌کنند. تنها رویکرد برآمده از مدل‌های حسابرسی رشد، یک روش غیرمستقیم ارزشگذاری است. در حالیکه ما استدلال کرده‌ایم

که سرمایه اجتماعی بازده‌های بازار و بازده‌های اقتصاد سطح کلان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، غیاب بازاری برای سرمایه اجتماعی - به خاطر طبیعت خیر عمومی آن ارزشیابی آن را ذاتاً مشکل می‌سازد.^۱ به هر تقدیر، اگر سرمایه اجتماعی به عنوان برون‌داد اقتصادی نهایی یا میانی نگریده شود، ارزشیابی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و سرمایه اجتماعی باید در گزارش‌های ملی تحت شمول قرار گیرد. یکی از بدعت‌های سال ۱۹۹۳ نظام گزارش‌های ملی ملل متحده (SNA) عبارت بود از درگیری گزارش‌های ماهواره‌ها که نابودی منابع طبیعی و هزینه‌های محیطی انتخابی را گنجانده بود. این کار با طرحیاز "شبکه درآمد ملی انطباق یافته با محیط" و به اصطلاح "پاسداری از اصالت" (مازاد تولید منهای مصرف، ناچیز انگاشتن مواهب تولیدی و کاهش بهره‌برداری از منابع طبیعی) امکان‌پذیر گردید. هدف کلیدی در اینجا عبارت است از اذعان به این امر که GDP در مورد دستاورد اقتصادی غلو می‌کند اگر بازده با ارتزاق از سرمایه طبیعی حاصل نشده باشد (ساراگلیدن a، ۱۹۹۶؛ b، ۱۹۹۶؛ هامیلتون و لوتز ۱۹۹۶). به همین ترتیب اگر رشد اقتصادی روابط اجتماعی را بگسلاند و از سرمایه اجتماعی تغذیه کند، رشد "اصیل" پایین‌تر از آن چیزی خواهد بود که حاصل جمع استاندارد GDP دلالت خواهد کرد.

درس مفیدی را می‌توان از گزارش‌های محیطی برای ارزیابی سرمایه اجتماعی آموخت. به نظر محتمل می‌رسد که ساخت یک نظام ماهواره‌ای آزمونی برای سرمایه اجتماعی، ممکن‌ترین راه ربط دادن سرمایه اجتماعی به SNA را به دست خواهد داد. گزارش کلیدی، گزارش سرمایه است که باید به هویت ذیل دست یابد:

سرمایه پایانی = سرمایه آغازین + تولید سرمایه - مصرف سرمایه - تجدید ارزش.

گزارش بعدی ارزش داشته‌ها را براساس تغییرات قیمت، تطبیق می‌دهد. پیشرفت در زمینه گزارش‌های محیطی تنها پس از آنکه سیاهه مواد سرمایه ملی اندازه‌گیری شد، امکان‌پذیر شد و پیشرفت پس از ارزشیابی گونه‌های مختلف سرمایه ملی حاصل شد. قبل از آنکه پیشرفت به سمت یک نظام به هم پیوسته برآورد اجتماعی و اقتصادی ممکن شود، باید خطوط اصلی جستجو در رابطه با سرمایه اجتماعی مشخص باشد.

از سرمایه‌های اجتماعی سطح خود - کلان برای عملی کردن پروژه‌ها استفاده کنید

1 - یک جنبه از سرمایه اجتماعی به طور معمول در بازار ارزشیابی و خرید و فروش می‌شود که می‌توان آن را "اراده نیک" یک شرکت نامید. "اراده نیک" در اساس شبکه مشتریان و حامیان شرکت می‌باشد.

سازمان و تشکل‌های موجود را می‌توان به مشارکت در اجرای پروژه فراخواند. این کار هدف‌گیری فرد ذی نفع را بهبود می‌بخشد، هزینه پروژه را کاهش می‌دهد و تداوم پروژه‌ها را با افزایش "مالکیت" ارتقا می‌دهد. فراتر از این، نهادهای شرکت‌کننده می‌توانند به علت محیط‌شان تقویت شوند و بنابراین سرمایه اجتماعی را افزایش دهند. این کار در بخش انتخاب سازمان‌ها نیاز به دقت دارد تا اینکه آنها [انجمن‌های مختلف] دربرگیرنده دریافت‌کنندگان مورد نظر (به ویژه فقرا) باشند و اهدافی همراستا با پروژه داشته باشند.

خلق محیط توانبخشی

گستره استفاده مؤثر از تقویت سرمایه اجتماعی به شدت وابسته به طبیعت محیط وسیع‌تر سیاسی و سیاستی می‌باشد. این آخری می‌توان انجمن‌های محلی را تشویق یا دلسرد کند و انگیزه‌ها یا موانعی را بر مشارکت آنها ارائه کند. یک محیط توانبخشی با اداره عمومی نیک، اعمال حقوق مالکیت، یک نهاد مستقل قضایی، یک بوروکراسی خوب و شفاف و مکانیسم‌هایی برای ترویج گفتگو و حل و فصل درگیری بین عامل‌های اقتصادی ویژگی می‌یابد.

در سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری کنید

سرمایه‌گذاری مستقیم در سرمایه اجتماعی به معنای حمایت مستقیم برای سازمان‌های موجود و در حال ظهور می‌باشد. در عمل، سازمان‌های غیردولتی و دولت محلی با توجه به این واقعیت که سازمان‌های مدنی اغلب کوچک و محلی هستند ممکن است اغلب در بهترین حالت برای انجام این کار باشند. خیرین ملی یا بین‌المللی می‌توانند NGOهای بین‌المللی و کنفدراسیون‌های سازمان‌های محلی را مورد حمایت قرار دهند. فرآیندهای مشارکتی در طراحی پروژه، اغلب با زمینه‌سازی برای شکل‌گیری گروه‌های محلی کاربر، در آفرینش سرمایه اجتماعی ایفای نقش می‌کنند.

تحقیق و فراگیری را ترویج کنید

آنچنانکه پیش‌تر عنوان شد، سنجش سرمایه اجتماعی و ارزیابی تجربی نقش آن در اهداف رشد و برابری، تنها در آغاز راه قرار دارد. چنین کاری که دربردارنده گردآوری داده‌های جدید است باید بیشتر تشویق شود. تحقیق نیز برای همکاری با سازمان‌های محلی، نیازمند مناسب‌ترین استراتژی‌ها می‌باشد. در نهایت، لینکاژ خرد - کلان بین سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصاد کلان باید چه از نظر مفهومی و چه از نظر تجربی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

منبع

Social capital: the Missing Link (1998) by, Christian Grootaerd, Social capital Initiative Working paper, No. 3



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی